



عکس: محمد مهدی آراسته / وطن امروز

سیاست مقاومت عاققلانه است

گفت‌وگوی «وطن امروز» با دکتر محمدجواد ظریف
درباره عملیات توفان الاقصی و تحولات پس از ۷ اکتبر

۷ اکتبر، حماس یک اقدام اصیل انجام داد
اقدامی با خواست فلسطینی، دلایل فلسطینی و زمینه‌های فلسطینی

اسرائیل و آمریکا در غزه شکست خورده‌اند

مخالفت آمریکا با آتش‌بس در غزه

برای احیای تصویر شکست‌ناپذیری اسرائیل است

هر جا جمهوری اسلامی وارد صحنه بین‌المللی شده
در حمایت از مردم بوده است

نمی‌توانستند رای دیگری بدهند و حداکثر سعی و تلاش خود را کردند تا رای بی‌بهره که کمتر علیه رژیم صهیونیستی باشد اما پیروزی بزرگی نبود بویژه برای افریقای جنوبی که این قدرت اخلاقی را هم داشت که این موضوع را در آنجا مطرح کند و شاید بهترین انتخاب برای طرح این موضوع در دیوان بین‌المللی دادگستری، افریقای جنوبی بود. اینکه آیا اینها فایده‌ای از آنها دارد، بستگی به این دارد که شما چه توقعی از آنها دارید. از دیوان بین‌المللی دادگستری نمی‌شود توقع این را داشت که توازن قدرت دنیا را به هم بزنند، بلکه آنها می‌توانند توازن قدرت را تعدیل کنند. تا حدی ابزارهای مختلفی وجود دارد برای تعدیل توازن قدرت و سازمان‌های بین‌المللی هم در همین حد نقش ایفا می‌کنند. می‌توان توجه کرد که همین تصمیمات و رای اخیر مجمع عمومی چقدر برای رژیم صهیونیستی می‌تواند

دنیای آنجاست، در صورتی که این ظلم‌ها از اروپا سرچشمه می‌گیرد اما توانش را دیگران باید پس بدهند و مجازات شوند! متأسفانه این مشکل در اروپا و آمریکا وجود دارد. موضوعی که به این قضیه در آمریکا اضافه شده، بحث گروه‌های افراطی مسیحی است؛ گروه‌هایی که به روایات تورات و انجیل با عهده جدید و قدیم درباره بازگشت حضرت مسیح(ع) و نقشی که یهودی‌ها در این وضعیت دارند، اعتقاد دارند. در دولت ترامپ ۲ نفر نقش برجسته‌ای در این قضیه داشتند؛ آقای پمپئو و آقای پنس که معاون ترامپ بود، اینها ریچریست بودند؛ کسانی که به جنگ‌های آخرالزمانی اعتقاد دارند. آنها حامیان عجیب و غریبی برای رژیم صهیونیستی هستند، چون معتقدند یهودی‌ها باید برای بازگشت حضرت مسیح(ع) حضور داشته باشند و نگاه‌شان اینگونه است که آنها قربانیان بازگشت حضرت مسیح(ع) هستند.

ببرد می‌گویند او ضدیهود است و با این عنوان (anti-Semitic) یا وی برخورد می‌کنند. در واقع لابی‌های صهیونیسم این اتهام را می‌زنند تا بتوانند غوغاسالاری کنند، چون آنها در آمریکا در غوغاسالاری ید طولایی دارند. به همین دلیل زمانی که بنده وزیر بودم از عبارت «Netanyahu Firsters» استفاده می‌کردم و این یعنی کسانی که منافع نتانیاهو برای آنها مهم‌تر از منافع آمریکاست. لذا امروز خیلی‌ها معتقدند منافع اسرائیل در بسیاری موارد، با توجه به حضور گسترده‌ای که اسرائیلی‌ها در صحنه سیاسی، اقتصادی و تبلیغاتی آمریکا دارند، اولویت دارد و منافع آمریکا قربانی منافع اسرائیل می‌شود. شاید یادتان باشد که ترامپ گفت من به خاطر اسرائیل از برجام خارج شدم و این نشان می‌دهد منافع اسرائیل حاکم است، لذا رابطه بسیار پیچیده‌ای است و به راحتی نمی‌توان گفت اسرائیل دست آمریکا در منطقه است یا آمریکا دست اسرائیل در منطقه و این یک رابطه دوسویه است و باید به تاریخ و پیشینه آن توجه داشته باشیم. آمریکا در ابتدای تشکیل رژیم صهیونیستی عنصر اصلی نبود. عامل این قضیه اروپایی‌ها بودند که دلپیش هم می‌تواند از نژادپرستی و ضدیهودیت بودن اروپا سرچشمه بگیرد؛ یعنی اروپایی‌ها می‌خواستند مشکل یهود در اروپا را صادر کنند و از طریق صدور به منطقه‌ای دیگر این مشکل را حل کنند. موافقم که اروپایی‌ها به یهودی‌ها خیلی ظلم کردند؛ هولوکاست را انجام دادند و قبل از آن در قرن پانزدهم، اسپانیایی‌ها برای یهودی‌ها را اخراج کردند. همه اینها قبول اما در این بین مسلمان‌های فلسطین چه گناهی کردند؟ مگر جز این است که هر زمان یهودی‌ها را از هر جایی اخراج کردند، مسیحی‌ها و مسلمان‌های فلسطین و منطقه با آغوش باز از آنها استقبال کردند و پذیرفتند؟ آیا گناه دیگری کردند؟ اما حالا کار به جایی رسیده که نه تنها اسرائیلی‌ها برای یهودیان حق قائل هستند، بلکه می‌گویند فلسطینی‌ها باید به جای دیگری بروند! می‌گویند یک جزیره مصنوعی در دریای مدیترانه درست کنیم و اهالی غزه را به آنجا بفرستیم. شما بودید که آمدید! اروپایی‌ها به خاطر اینکه مشکل یهودشان را حل کنند شما را به این منطقه فرستادند، لذا این یک بحث پیچیده است و لایه‌های مختلفی دارد. نژادپرستی و ضدیهودیت بودن اروپایی‌ها یک بحث است و اینکه اروپا خواسته مشکلات خودش را با هزینه دیگران حل کند، بحث دیگر. در نهایت اروپایی‌ها احساس می‌کنند در مقامی نشستند که می‌توانند برای بقیه دنیا تصمیم بگیرند و آنها هستند که در واقع فکر می‌کنند مرکزیت اخلاق

ببرود می‌گویند او ضدیهود است و با این عنوان (anti-Semitic) یا وی برخورد می‌کنند. در واقع لابی‌های صهیونیسم این اتهام را می‌زنند تا بتوانند غوغاسالاری کنند، چون آنها در آمریکا در غوغاسالاری ید طولایی دارند. به همین دلیل زمانی که بنده وزیر بودم از عبارت «Netanyahu Firsters» استفاده می‌کردم و این یعنی کسانی که منافع نتانیاهو برای آنها مهم‌تر از منافع آمریکاست. لذا امروز خیلی‌ها معتقدند منافع اسرائیل در بسیاری موارد، با توجه به حضور گسترده‌ای که اسرائیلی‌ها در صحنه سیاسی، اقتصادی و تبلیغاتی آمریکا دارند، اولویت دارد و منافع آمریکا قربانی منافع اسرائیل می‌شود. شاید یادتان باشد که ترامپ گفت من به خاطر اسرائیل از برجام خارج شدم و این نشان می‌دهد منافع اسرائیل حاکم است، لذا رابطه بسیار پیچیده‌ای است و به راحتی نمی‌توان گفت اسرائیل دست آمریکا در منطقه است یا آمریکا دست اسرائیل در منطقه و این یک رابطه دوسویه است و باید به تاریخ و پیشینه آن توجه داشته باشیم. آمریکا در ابتدای تشکیل رژیم صهیونیستی عنصر اصلی نبود. عامل این قضیه اروپایی‌ها بودند که دلپیش هم می‌تواند از نژادپرستی و ضدیهودیت بودن اروپا سرچشمه بگیرد؛ یعنی اروپایی‌ها می‌خواستند مشکل یهود در اروپا را صادر کنند و از طریق صدور به منطقه‌ای دیگر این مشکل را حل کنند. موافقم که اروپایی‌ها به یهودی‌ها خیلی ظلم کردند؛ هولوکاست را انجام دادند و قبل از آن در قرن پانزدهم، اسپانیایی‌ها برای یهودی‌ها را اخراج کردند. همه اینها قبول اما در این بین مسلمان‌های فلسطین چه گناهی کردند؟ مگر جز این است که هر زمان یهودی‌ها را از هر جایی اخراج کردند، مسیحی‌ها و مسلمان‌های فلسطین و منطقه با آغوش باز از آنها استقبال کردند و پذیرفتند؟ آیا گناه دیگری کردند؟ اما حالا کار به جایی رسیده که نه تنها اسرائیلی‌ها برای یهودیان حق قائل هستند، بلکه می‌گویند فلسطینی‌ها باید به جای دیگری بروند! می‌گویند یک جزیره مصنوعی در دریای مدیترانه درست کنیم و اهالی غزه را به آنجا بفرستیم. شما بودید که آمدید! اروپایی‌ها به خاطر اینکه مشکل یهودشان را حل کنند شما را به این منطقه فرستادند، لذا این یک بحث پیچیده است و لایه‌های مختلفی دارد. نژادپرستی و ضدیهودیت بودن اروپایی‌ها یک بحث است و اینکه اروپا خواسته مشکلات خودش را با هزینه دیگران حل کند، بحث دیگر. در نهایت اروپایی‌ها احساس می‌کنند در مقامی نشستند که می‌توانند برای بقیه دنیا تصمیم بگیرند و آنها هستند که در واقع فکر می‌کنند مرکزیت اخلاق

ببرود می‌گویند او ضدیهود است و با این عنوان (anti-Semitic) یا وی برخورد می‌کنند. در واقع لابی‌های صهیونیسم این اتهام را می‌زنند تا بتوانند غوغاسالاری کنند، چون آنها در آمریکا در غوغاسالاری ید طولایی دارند. به همین دلیل زمانی که بنده وزیر بودم از عبارت «Netanyahu Firsters» استفاده می‌کردم و این یعنی کسانی که منافع نتانیاهو برای آنها مهم‌تر از منافع آمریکاست. لذا امروز خیلی‌ها معتقدند منافع اسرائیل در بسیاری موارد، با توجه به حضور گسترده‌ای که اسرائیلی‌ها در صحنه سیاسی، اقتصادی و تبلیغاتی آمریکا دارند، اولویت دارد و منافع آمریکا قربانی منافع اسرائیل می‌شود. شاید یادتان باشد که ترامپ گفت من به خاطر اسرائیل از برجام خارج شدم و این نشان می‌دهد منافع اسرائیل حاکم است، لذا رابطه بسیار پیچیده‌ای است و به راحتی نمی‌توان گفت اسرائیل دست آمریکا در منطقه است یا آمریکا دست اسرائیل در منطقه و این یک رابطه دوسویه است و باید به تاریخ و پیشینه آن توجه داشته باشیم. آمریکا در ابتدای تشکیل رژیم صهیونیستی عنصر اصلی نبود. عامل این قضیه اروپایی‌ها بودند که دلپیش هم می‌تواند از نژادپرستی و ضدیهودیت بودن اروپا سرچشمه بگیرد؛ یعنی اروپایی‌ها می‌خواستند مشکل یهود در اروپا را صادر کنند و از طریق صدور به منطقه‌ای دیگر این مشکل را حل کنند. موافقم که اروپایی‌ها به یهودی‌ها خیلی ظلم کردند؛ هولوکاست را انجام دادند و قبل از آن در قرن پانزدهم، اسپانیایی‌ها برای یهودی‌ها را اخراج کردند. همه اینها قبول اما در این بین مسلمان‌های فلسطین چه گناهی کردند؟ مگر جز این است که هر زمان یهودی‌ها را از هر جایی اخراج کردند، مسیحی‌ها و مسلمان‌های فلسطین و منطقه با آغوش باز از آنها استقبال کردند و پذیرفتند؟ آیا گناه دیگری کردند؟ اما حالا کار به جایی رسیده که نه تنها اسرائیلی‌ها برای یهودیان حق قائل هستند، بلکه می‌گویند فلسطینی‌ها باید به جای دیگری بروند! می‌گویند یک جزیره مصنوعی در دریای مدیترانه درست کنیم و اهالی غزه را به آنجا بفرستیم. شما بودید که آمدید! اروپایی‌ها به خاطر اینکه مشکل یهودشان را حل کنند شما را به این منطقه فرستادند، لذا این یک بحث پیچیده است و لایه‌های مختلفی دارد. نژادپرستی و ضدیهودیت بودن اروپایی‌ها یک بحث است و اینکه اروپا خواسته مشکلات خودش را با هزینه دیگران حل کند، بحث دیگر. در نهایت اروپایی‌ها احساس می‌کنند در مقامی نشستند که می‌توانند برای بقیه دنیا تصمیم بگیرند و آنها هستند که در واقع فکر می‌کنند مرکزیت اخلاق

نگاه

پروژه نجات نتانیاهو در لندن

حنیف غفاری: این روزها مقامات غربی بیش از هر زمان دیگری نسبت به شکست رژیم اشغالگر قدس در ابعاد متنی و فرامتنی جنگ غزه آگاه شدند. اخیراً دیوید کامرون، نخست‌وزیر سابق و وزیر خارجه کنونی دولت انگلیس که انتقال بسیاری از محافل سیاسی در لندن وی را مهره اصلی کابینه (حتی بالاتر از ریشی سوناک نخست‌وزیر انگلیس) می‌دانند، در حال پیچیدن نسخه‌هایی برای مدیریت بحران جاری در اراضی اشغالی است. حتی کامرون نتوانسته است نگرانی خود را بابت آغاز گردش کار حقوقی رسیدگی به شکایت افریقای جنوبی از رژیم اشغالگر و کودک‌کش فلسطینی و همچنین تشکیل کابینه‌ای شایسته برای مدیریت کرانه باختری و غزه می‌شود؛ بر اساس طرح انگلیس، سران حماس از غزه خارج شده و به کشور دیگری منتقل می‌شوند.

عبارت بهتر، انگلیسی‌ها به نوعی در صدد نابودی حماس از طریق ابزار سیاسی بوده و حتی آینده‌نگاری جنگ غزه را نیز بر همین مبنا انجام می‌دهند. لندن در صدد است هدفی را که نتانیاهو در جریان جنگ غزه به آن دست نیافته با استناد به راهکارهای سیاسی و کم‌هزینه‌تر محقق سازد. نکته مهم‌تر اینکه دولت انگلیس «آزادی کامل اسرای صهیونیست» را در ازای «بررسی آتش‌بس دائم در غزه» (!) مطرح کرده است؛ یعنی سستاندهای نقد در برابر وعده‌ای نسبیاً در اینجا رژیم اشغالگر قدس می‌تواند پس از آزادی کامل اسرای صهیونیست (که بعید است تحقق یابد) مدعی شود مذاکرات برای آتش‌بس دائمی و پایان دادن به جنگ به نتیجه نرسیده و باید جنگ را این بار بدون اینکه کمترین دغدغهای بابت حضور اسرای صهیونیست در غزه وجود داشته باشد، ادامه دهد. بدیهی است آنچه مقاومت فلسطینی طی ۴ ماه مقاومت ترکیبی، هوشمندانه و قاطعانه در برابر صهیونیست‌ها به دست آورده مصداق عینی یک دستاورد بسیار بزرگ محسوب می‌شود و نه تنها در میدان جنگ، بلکه در فرامتن آن و با استناد به راهکارهای ظاهراً سیاسی نیز نمی‌توان آن را از بین برد.

ادامه در صفحه ۶

تلاش کردند خودشان را مظلوم نشان دهند و گفتند می‌خواهند هولوکاست را تکرار کنند و متأسفانه برخی صحبت‌ها هم که در دولت نهم زده شد، این امکان را به آنها داد تا بازی مظلوم‌نمایی‌شان را شکل بدهند. یک ستون سیاست رژیم صهیونیستی مظلوم‌نمایی و ستون دیگرش شکست‌ناپذیری است. اسرائیلی‌ها همیشه در جنگ با دولت‌های عربی پیروز شده‌اند، درست است آمریکا همیشه حامی آنها بوده و برای ارسال سلاح به رژیم صهیونیستی پل هوایی در سال‌های ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳ ایجاد کرد تا در برابر کشورهای عربی شکست نخورد ولی سرانجام اسرائیل بر کشورهای عربی پیروز بوده، لذا اسرائیل این افسانه شکست‌ناپذیری را داشته که البته این افسانه یک بار سال ۲۰۰۰ با اخراج اسرائیل از لبنان و یک بار هم سال ۲۰۰۵ با اخراج اسرائیل از غزه توسط مقاومت - و نه دولت‌ها - با الهام از انگیزش‌هایی که انقلاب ایجاد کرده، شکست. این انگیزش بسیار مهم‌تر از بقیه منابع قدرت جمهوری اسلامی است. توان انگیزشی مقاومت توانست اسرائیل را اخراج کند. دیدیم که بعد از هر دوره، اسرائیلی‌ها با حجم وسیع عملیات ضدانسانی تلاش کردند «بالانس وحشت» را ایجاد و افسانه شکست‌ناپذیری را تقویت کنند. این ۲ ستون سیاست خارجی اسرائیل است؛ شکست‌ناپذیری و مظلوم‌نمایی. خیلی هم جالب است که این ۲ ستون معارض همدیگر است اما

شاید اینجا لازم باشد نقیبی به شکستی که رژیم صهیونیستی متحمل شده، بزنم. ۲ محور در سیاست خارجی رژیم صهیونیستی از ابتدای تاسیسش وجود داشته؛ یکی محور مظلوم‌نمایی بوده که اسرائیلی‌ها می‌گفتند به ما و یهودی‌ها ظلم شده و ما مظلوم هستیم (حالا اینکه مظلوم هستند یا به دیگران ظلم می‌کنند، بحثی جداست) و همیشه سعی داشتند این مظلوم‌نمایی را زنده نگه دارند. زمانی با هولوکاست این را پیش می‌بردند. بعد با ادعای اقدامات تروریستی اعراب علیه اسرائیل بود، بعد از دهه ۱۹۹۰ میلادی شروع به برجسته کردن خطر ایران - نه تنها علیه اسرائیل، بلکه جهان - کردند و با امنیتی‌سازی

شاید اینجا لازم باشد نقیبی به شکستی که رژیم صهیونیستی متحمل شده، بزنم. ۲ محور در سیاست خارجی رژیم صهیونیستی از ابتدای تاسیسش وجود داشته؛ یکی محور مظلوم‌نمایی بوده که اسرائیلی‌ها می‌گفتند به ما و یهودی‌ها ظلم شده و ما مظلوم هستیم (حالا اینکه مظلوم هستند یا به دیگران ظلم می‌کنند، بحثی جداست) و همیشه سعی داشتند این مظلوم‌نمایی را زنده نگه دارند. زمانی با هولوکاست این را پیش می‌بردند. بعد با ادعای اقدامات تروریستی اعراب علیه اسرائیل بود، بعد از دهه ۱۹۹۰ میلادی شروع به برجسته کردن خطر ایران - نه تنها علیه اسرائیل، بلکه جهان - کردند و با امنیتی‌سازی

ادامه در صفحه ۵